

حرف علتة حرف جمع نباشد آنرا الفیغ مقرون گویند **خو** اوی
 باز آنکه آمدن باز اسم غیر مصدر یا تلمانی است ای آنکه سه حرف در بود
خو زجمل مرد باز اسم غیر مصدر یا رباعی است یعنی آنکه چهار حرف در
خو جمع خبر جوی بزرگ باز اسم غیر مصدر یا خماسی است یعنی آنکه پنج حرف
 در بود **خو** سفر جمل میوه آبی باز اسم غیر مصدر یا ششجمله است اما باقی
 یا غیر الحاق و این متعبد بر سه نوع است یکی متعبد تلمانی است ای آنکه
 حرف صیغه در سه بود پس بر آن حرفی را زیاده کند برای الحاق
خو قند و اصله تعدد بوده است و دوم متعبد رباعی است یعنی آنکه
 حرف صیغه ای در چهار بود پس بر آن حرفی را زیاده کند **خو** فعل
 اصله قتل بوده است سوم متعبد خماسی است یعنی آنکه حرف
 اصلی در پنج بود پس بر آن حرفی را زیاده کند **خو** جمع خبر
 معناه زنی زائل اصله جمع خبر بوده است باز اسم **خو** و حد

اینکه در این کتاب
 در باب اول
 در باب دوم
 در باب سوم
 در باب چهارم
 در باب پنجم
 در باب ششم
 در باب هفتم
 در باب هشتم
 در باب نهم
 در باب دهم
 در باب یازدهم
 در باب بیستم

بود **خو** زید و تثنیه بود **خو** زیدان و زیدین و جمع بود **خو** زیدین
 و یا زیدین و این جمع با او و نون و یا با و نون جمع سلامت است
 ای آنکه لفظ واحد آن او بر قرار ماند و دوم جمع تکبیر است یعنی آنکه
 لفظ واحد آن او بر قرار ماند **خو** رجل و رجال باز اسم بر دو قسم است
 یکی آنکه از وضع نیاید **خو** آورد و کل و آنرا اسم جامد گویند و دوم آنکه
 از وضع نرسد و آنرا اسم مصدر گویند **خو** آنکه سبب یاری کردن
 و این مصدر نیز بر دو قسم است یکی لازمی است ای آنکه لازمی است و دیگری
 و دیگری نه **خو** القیام استمان و از وضع عمل ممول و آن
 مفعول نیاید و دوم متعبد است یعنی آنکه از وضع عمل ممول و دیگری
خو الضرب بزور و لازمی حرف خبر متعبدی شود و یا در باب
 افعال و تفعیل **خو** القامة و التقییم است این **خو**
 آنکه باب برفتن و کوی ذهب به سبب او را و آن مصدر است

اینکه در این کتاب
 در باب اول
 در باب دوم
 در باب سوم
 در باب چهارم
 در باب پنجم
 در باب ششم
 در باب هفتم
 در باب هشتم
 در باب نهم
 در باب دهم
 در باب یازدهم
 در باب بیستم

Copyright © King Saud University